

از گزارش هیئت سیاسی به هفدهمین پلنوم (وسیع)
کمیته مرکزی حزب توده ایران



دوره هفتم، سال اول، شماره 483 ،
شنبه 22 فروردین ماه 1360

شبه فاشیست ها و چماقداران سرانجام علیه بنیانگذاران آن ها وارد عمل خواهند شد!

پیامدهای ناشی از اشتباهات، مطلق گرایی ها، قدرت طلبی ها، انحصار طلبی ها و خود محوری ها در صفوف نیروهای انقلابی

بدون تردید این پیامدهای منفی و در مواردی بسیار منفی، در عین آن که بخش عمده آن را نمی توان به حساب دشمنی آگاهانه با انقلاب گذاشت، مانند ترمز دردناکی روند گسترش انقلاب شکوهمند میهن ما را کند می کند و در عمل آب به آسیاب امپریالیسم و ضد انقلاب می ریزد و به بورژوازی لیبرال ضربه خورده امکان می دهد که از آن به زیان انقلاب بهره گیری نماید.

این ویژگی ها در یک سمت قرار ندارند: هم در «چپ» است و هم در راست، در حالی که منشاء پیدایش هر دو گرایش «چپ» و راست همان اقتدار خورده بورژوازی هستند. این ویژگی ها را در سمت راست در چهره گروه های متجاوز، **فاشیست ماب، چماقدار و گردانندگان آن** می بینیم. این شیوه که امروز مسلما جولانگاه عناصر ناشناخته ضد انقلاب و ساواک گردیده و کم کم علیه همان محافظی وارد عمل شده اند که ابتدا خود در به وجود آوردن آن موثر بوده اند، محصول برداشت انحصارگراانه از قدرت برای سرکوب هر نظر مغایر با نظریات تنگ مبتکرین آن است.

رواج این شیوه موجب می شود که تنگ نظران از یک سو میدان جبهه متحد نیروهای راستین انقلاب را تنگ کنند و گردان های ارزشمندی را که می توانند در این میدان، در نبرد مشترک برای عمده ترین آماج های همگانی محرومان جامعه فعالانه و سازنده شرکت نمایند، از این میدان خارج سازند و از سوی دیگر راه را برای نفوذ فرصت طلبان و عوامل دشمن که خیلی زود می توانند رنگ و ماسک ریا و تزویر بر چهره خود بزنند، به درون صف مبارزان انحصارطلب باز نمایند. تجربه تاریخی نشان داده است که **صف گروه های انحصارطلب خیلی زود جولانگاه عناصر دشمن می شود.**

در سمت «چپ»، همین انحصارطلبی و مطلق گرایی و خودمحوری در میان آن گروه های چپ گرا دیده می شود که افراد آن به طور عمده مانند انحصارطلبان راست گرا و قشری در موضع گیری های خود صداقت دارند، ولی به علت همان ویژگی های پر انحراف عملا در سمتگیری نادرست نسبت به ضروریات انقلاب در لحظه کنونی قرار گرفته اند. در این مورد هم، اقدامات آشوب گرانه، تشنج انگیز، تخریبی یعنی اعمال فشار و توسل به قهر برای تحمیل نظریات تنگ گروهی به دیگران، جانشین برخورد خلاق انقلابی می شود. ما شاهد آن هستیم که این روش ها عینا مانند انحراف سرکوبگرانه راست گرایان، میدان رشد

انحراف زورمدارانه چپ روها یعنی نوعی از گرایش های «انقلاب فرهنگی» مائوئیستی که عاقبتش به شیوه های وحشیانه پل پوت ها پایان می یابد، گردیده اند.

قشری گری در مقامات حاکمیت موجب اشتباهات، زیاده روی ها، و در پیامد آن ها، زیان های جبران ناپذیر در زمینه از دست دادن امکانات و فرصت های گرانبها در بسیاری از زمینه ها از سوی دیگر گردیده و قشری گری و خود محوری در «چپ» موجب دست یازی به اقدامات تخریبی، تفرقه جویانه شده، و پیامد هر دوی این گرایش ها آن است که میدان برای فعالیت دشمنان انقلاب و بهره گیری لیبرال های سازشکار و تسلیم طلب به طور چشم گیری مساعد گردیده است.